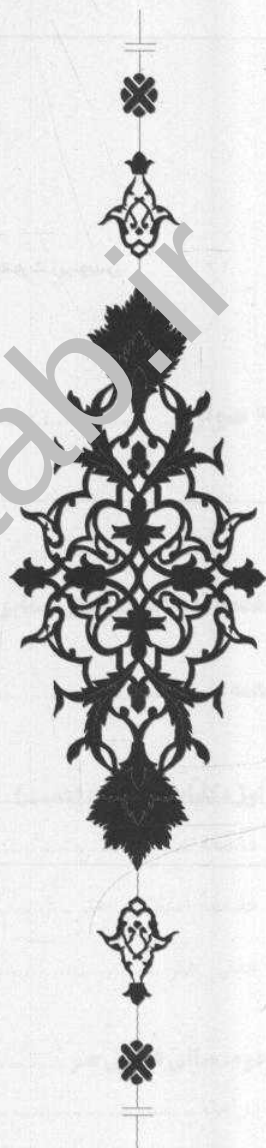




حکمت اسلامی هنر

دکتر احمد رضا بسیج



سرشناسه	: بسیج، احمد رضا، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: حکمت اسلامی هنر/احمد رضا بسیج.
مشخصات نشر	: شهرکرد: سدره المنتهی، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۴۹-۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۰۹] - ۲۱۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: هنر اسلامی -- فلسفه
موضوع	: زیبایی شناسی (عرفان)
موضوع	: فلسفه اسلامی
رده بندی کنکره	: ۱۳۹۴ ح۸ ب/۶۰۴ N ۶۳۶۰
رده بندی دیویی	: ۷۰۴/۱۷۶۷۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۰۶۰۲



حکمت اسلامی هنر

- مؤلف: دکتر احمد رضا بسیج
- طراح جلد: طوبی محمد خان
- لیتوگرافی و چاپ: پردیس - گل وردی
- شمارگان: ۱۰۰۰
- قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال
- چاپ اول: بهار ۱۳۹۶
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۴۹-۵۰۰۰

ISBN: 978-600-5149-50-0

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه آیت الله غلامعلی صفایی بوشهری (زید عذّه)	۹
مقدمه	۱۱
فصل اول: کلیات (مفاهیم، اهمیت)	۱۷
۱. فلسفه	۱۹
۲. فلسفه اسلامی هنر	۲۱
۳. معنی هنر	۲۳
فصل دوم: مبانی فلسفی هنر	۲۹
درآمد	۳۱
هستی شناسی فلسفی	۳۲
۱. مراتب داشتن موجودات جهان	۳۲
۲. عوالم یا مراتب وجودی جهان	۳۶

۴۲	انسان شناسی فلسفی.....
۴۲	۱. واقعیت انسان
۴۴	۲. مراتب وجودی انسان
۵۱	۳. وجود فطرت در انسان
۵۴	۴. علت غایی داشتن افعال انسان
۵۷	۵. حقیقت سعادت و کمال در انسان
۶۰	۶. کمالی به دن سعادت
۶۲	۷. راننده میان عمل و نتیجه در دنیا و آخرت
۶۵	۸. نیاز انسان به هدایت، دین و پیامبر
۶۹	معرفت شناسی غایی
۷۱	چگونگی پیدایش هنر در نزد انسان
۷۲	نسبت هنر با نفس انسان
۸۱	فصل سوم: زیبایی در هنر.....
۸۳	اشاره
۸۳	۱. معنی زیبایی
۸۸	۲. ارتباط زیبایی با کیفیات نفسانی
۸۹	الف. زیبایی و لذت
۹۵	ب. زیبایی و رضایت
۹۶	ج. زیبایی و ارزش
۹۸	د: زیبایی و تعجب
۹۹	ه: زیبایی و سرور و غم
۱۰۱	۳. زیبایی مستقل از ما و زیبایی وابسته به ما
۱۰۴	منشأ زیبایی
۱۰۴	زیبایی وابسته به ما

۴. فطری بودن شناخت زیبایی ۱۰۵
۵. انواع زیبایی: زیبایی محسوس و زیبایی معقول ۱۰۸
- تفاوت زیبایی های محسوس و زیبایی های معقول ۱۰۹
۶. عالی ترین زیبایی ۱۱۰
۷. درک و دریافت زیبایی ها مستلزم بهره مندی از زیبایی درونی است ۱۱۳
۸. بالاترین و اصیل ترین زیبایی حق تعالی است ۱۱۶
۹. نسبت زیبایی با خیر و کمال ۱۲۰
۱۰. بررسی نهایی ۱۲۹

فصل چهارم: علل اربعة ۱۳۵

۱. علت مادی ۱۳۷
۲. علت فاعلی ۱۳۹
۳. علت صوری ۱۴۴
۴. علت غایی ۱۴۷

فصل پنجم: ارزش در هنر ۱۵۳

۱. ارزش چیست؟ ۱۵۵
۲. تقسیم بندی ارزش ها ۱۵۹
- ۲-۱. ارزش ذاتی و ارزش غیری ۱۵۹
- ۲-۲. ارزش مطلق و ارزش مشروط ۱۵۹
- ۲-۳. ارزش دائم و ارزش غیردائم (موقت) ۱۶۰
- ۲-۴. ارزش جهانی و ارزش منطقه ای ۱۶۰
- ۲-۵. ارزش ثابت و ارزش متغیر ۱۶۱
- ۲-۶. ارزش شرعی و ارزش عرفی ۱۶۲
- ۲-۷. ارزش بالذات، ارزش بالغیر، ارزش بالقیاس ۱۶۳

۳. ارزش در هنر ۱۶۴
۴. منشأ ارزش‌ها ۱۶۷

فصل ششم: نسبت هنر و حقیقت ۱۶۹

- کاربردهای حقیقت در فلسفه ۱۷۲
- تقسیم دیگر معانی حق در فلسفه ۱۷۲
- تعبیر و تقسیم دیگر از معانی حق ۱۷۳
- تقسیم برگزیده از معانی حق و حقیقت در فلسفه ۱۷۵
- کاربرد حقیقت در هنر ۱۷۶
۱. غایت داشت (معنای چهارم از تقسیم اخیر) ۱۷۶
۲. مطابق با واقع بودن (معنای پنجم از تقسیم اخیر) ۱۷۷
۳. آنچه شایسته است به آن رسیدیم (معنای ششم از تقسیم اخیر) ۱۸۲

فصل هفتم: زبان هنر ۱۸۷

- نظریه بازی‌های زبانی و نقد آن ۱۹۰
- پوزیتیویسم منطقی و نقد آن ۱۹۲
- زبان ابراز احساسات و نقد آن ۱۹۴
- زبان اسطوره و نقد آن ۱۹۵
- هرمنوتیک و نقد آن ۱۹۶
- زبان هنر ۱۹۹
- زبان اشارت ۲۰۲
- محاکات در هنر ۲۰۶

منابع ۲۱۱

مقدمه آیت الله غلامعلی صفایی بوشهری (زید عزه)

فلسفه حکمت هنر اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ لَعَنَ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ»
«تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»

عنوان تألیفی که پیش روی علاقه‌مندان قرار دارد جمعی از سه واژه است که این سه واژه هر کدام به تنهایی معانی عدلی دارند اما در کنار هم قرار گرفتن آنها ترکیبی به دست می‌دهد که نیازمند تألیفات بسیاری است تا حق مطلب را ادا کند.

هنر؛ زیباترین شکل ارائه داشته‌های اندیشه‌ای و زیباشناختی انسان است که از فطرت او منشأ می‌گیرد و در ذات خود بازآفرینی می‌کند آنچه یگانه خالق هستی درون مخلوق خود قرار داده است. پس آنچه که هنرمند با توجه به خالق اصلی‌اش به وجود می‌آورد ماندگار است.

حکمت؛ علم و شناختی بر اساس برهان است که باعث می‌شود انسان به سمت حقیقت راهنمایی شود. پس می‌توان گفت که حکمت درک و تشخیص اکتسابی است ولی در اصل آنی است که خداوند متعال به هر کدام از بندگانش که بخواهد می‌دهد و در کل می‌توان حکمت را معرفت و شناخت اسرار جهان هستی و در نهایت شناخت خداوند دانست، هر چند حکمت را علم و شناخت همراه با عمل نیز گفته‌اند.

هنر اسلامی؛ هنری برخاسته از آموزه‌های اسلام است که بعد از اسلام در جوامع مسلمان به وجود آمد. این هنر توسط هنرمندان مسلمان ایجاد شده و توسعه یافت. این پدیده با محتوایی آسمانی متأثر از تفکرات و اندیشه‌های والای اسلام تأثیر بسزایی بر هنرمندان از هر دین و مذهبی گذاشت و پس از گسترش اسلام در نقاط مختلف و کشورهایی که دارای تمدن بسیار کهنی بوده‌اند و در هم آمیختگی شکل هنرهایی که در آن سرزده‌ها وجود داشت با محتوای غنی اسلامی شکل جدیدی را برای مردم به ارمغان آورد. که این هنر اصولاً نگاهی به تکامل و ارزش والای انسان دارد و رمز ماندگاری آن نیز به خاطر تأکید بر آموزه‌های دینی و خالق یکتای تمام هنرها است.

انقلاب اسلامی ایران احیای اسلام ناب با تمام زوایای هندسه آسمانی آن است و هنر از این میان است. هنر در تاریخ مسیر زیر سیطره استکبار هنر جبهه ظلم و ستم جهانی می‌باشد که با این ابزار مؤثر به دنبال سارک انسان‌ها در قالب تهاجم هنری است.

سازمان‌های بسیج از جمله بسیج اساتید و بسیج هنرمندان ایران خط مقاومت دفاع هنری برای آزادی هنر جهانی از سلطه جهان استکبار را برپا دارند. هنر کرامت‌زای اسلامی هستند.

کتاب حکمت اسلامی هنر اثر فاضل گرانقدر دکراست مدرضا بسیج در این مقوله می‌تواند راه‌گشای فهم هنر اسلامی بر اساس آموزه و حکمت الهی باشد.

تعجیل در ظهور حضرت ولی‌عصر «روحی فدا» و طول عرصه عزت مقام معظم رهبری و توفیق تمامی اصحاب هنر آیینی و اسلامی را از خداوند متعال خواستارم و یاد و خاطره شهدا، امام شهدا و شهدای هنرمند را گرامی می‌دارم.

صفایی بوشهری

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر

۹۵/۱۰/تیر

باسمه تعالی

مقدمه

فلسفه در میان دانش‌های بشری، و کارش با استدلال و عقل و برهان است. از این رو در تور هر کسی نمی‌افتد و بابیه‌ها گمان نمی‌شود. هنر اما با ذوق و عشق و احساس سروکار دارد؛ از این جهت طالبان و شیفتگان بیشتری به سراغش می‌روند.

فلسفه در پی یافتن حقایق هستی است. چه چیزی هست و چه چیزی نیست. به عبارت دیگر فلسفه به دنبال آن است تا با استدلال‌های منطقی کاملاً خالی شده از احساس و خوشایند فیلسوف، جهان را آن‌گونه که هست بشناسد و به درگاهان بشناساند. دریابد چه چیزی اصالت دارد؛ یعنی جدای از علایق و خوشآمد ما وجود دارد و چه چیزی در واقع و عالم خارج از ذهن ما نیست و به تعبیر دیگر اعتباری است؛ یعنی وجودی وابسته به ذهن دارد. کار فیلسوف بسان کسی است که نردبانی از علوم و باورهای حقیقی می‌سازد تا آدمی با پای نهادن بر پله‌های واقعی آن، درجات کمال را به سوی سعادت حقیقی، مرحله به مرحله طی کند.

هنر با ذوق و احساس کار دارد و قصدش زیبا دیدن و زیبا ساختن رفتارها در دنیایی است که در آن زندگی می‌کنیم. تحمل پذیر کردن زندگی، مقابله با زشتی‌ها و بدی‌ها و ترویج زیبایی‌ها و خوبی‌ها رسالت مورد قبول هنرمندان است. هنرمند گاه طیب است و گاه معلم؛ گاهی مشاور است و گاهی هادی و امام.

اینجا است که این سؤالات و مانند آنها پیش می‌آید که چگونه می‌توانیم به هنرمند و اثر هنری او اعتماد کنیم. چه وقت و چگونه دارویی از سوی هنرمند شفا بخش است و کی و در چه صورت خراب کننده حال؟ آیا هر امامی هادی است یا امام ضلالت هم داریم؟ آیا هر دوستی، فدا کننده به حق دوستی است یا گاه می‌شود که در قالب دوستی - با هر نیتی - خیانت کرد؟ آیا همه مشاوران، به راه و رسم مشورت آگاهند یا مشق هوا می‌کنند و از سر ذوق خرد سخن می‌گویند نه نیاز طرف مقابل؟ ملاک زشتی و زیبایی چیست یا کیست؟ اگر یک هنرمند، واقعیتی موجود را زشت دید و از ما درخواست کرد آن را کنار بگذاریم و به هیچ وجه به سراغش نرویم و هنرمندی دیگر همان واقعیت را زیبا دید و ما را به آن مشتاق نمود و سوق داد، کدام را برگزینیم و با کدامشان احساس قربت و هم‌ذات پنداری داشته باشیم؟ چگونه می‌توانیم به نگره‌ها و صحت اندیشه پنهان در پشت آثار هنری هنرمندان اطمینان پیدا کنیم؟

مشکل بشریت همیشه از «ندانستن» نیست. بلکه گاهی از «داده‌های نادرست» است؛ گاهی هم از «مشاوره‌های اشتباه». مشکل از «طبیعت غلط» هم می‌تواند باشد. برخی اوقات کسانی پیدا می‌شوند که فهم خود را ملاک «خیر و شر» و «خوب و بد» می‌دانند و عقل خویش را ترازوی «صحیح و غلط». راستی ترازوی سخن، پیام و هنر این افراد چه چیزی یا چه کسی است؟

بی‌شک اثر هنری هر هنرمندی، مبتنی بر نوع نگرش و جهان‌بینی او شکل می‌گیرد.

یعنی هر هنری مبتنی بر یک سری مبانی و براهین فلسفی موجودیت پیدا می‌کند. به همین جهت هنرمندانی که از مبانی فلسفی هنر خود واقف هستند، در کار خود موفق‌تر خواهند بود و اثر هنری آنها از ماندگاری و گستره بیشتری برخوردار می‌گردد.

از اینجا ارتباط فلسفه و هنر صرف‌نظر از خوشایند یا آگاهی ما، رخ نشان می‌دهد. هنرمند اثر هنری را پدید می‌آورد و این صورت‌گری و هنرمندی لاجرم بر اساس عقاید و نگاه هنرمند به عالم و آدم، سرانجام و عاقبت کار آدمی، چرایی و چگونگی زندگی و سازمان و ابعاد اجتماعی انسان، هستی می‌گیرد.

گفته شد شناخت دقیق عالم و آدم، منازل و مراتب، چرایی و به‌کجایی هستی در حوزه کار فلسفه و دغدغه عالمان فلسفه است؛ بنابراین یک هنرمند یا باید خودش علاوه بر هنرمند بودن، فیلسوف هم باشد یا آن که مبتنی بر یافته‌های فلسفی پیش برود. از سوی دیگر نوع ورود و خروج فلاسفه به موضوعات فلسفی و وسعت دید و اندازه دغدغه آنها برای رسیدن به حقایق، امری بسیار از ویژگی‌های شخصیتی یا فرهنگ جامعه بشری و نیز باورهای مذهبی نیست. یکی نوع نگاه و نگره فلاسفه‌ای که پیش‌فرض آنها انکار حقایق دینی است، با منظر و نظر فیلسوفی که بر طرفانه و بی‌غرض در پی یافتن حقایق هستی است و از فهم مشهود و معقول ابایی ندارد، فرق می‌کند.

فیلسوف مسلمان چون پستوانه معرفتی و منابع تحقیق را اعم از عقل محدود بشری می‌داند و به آورده‌های وحیانی و شهودهای عرفانی احترام می‌گذارد، نگاه و نظر خود را محدود به افق دید انسان مادی، یعنی موجودی که ذاتاً محدود است، نمی‌سازد. در حقیقت از عقل کل و عقل بیرونی برای رسیدن به شناختی واقعی از هستی استمداد و استفاده می‌کند تا شناختی همه‌جانبه، دقیق و علمی مشابه با عالم بیرونی به‌دست آورد. اما فیلسوفی که عقل خودبنیاد بشری را برای یافتن و شناخت کافی می‌داند، هم خود را

از منابعی رصین و قویم محروم می‌کند و هم مخاطبان خود را به بیراهه می‌برد. علاوه بر این که مایه‌ها و معتقدات مذهبی و میزان حق و حقیق منابع معرفتی متفاوت و کثیر است. از سویی برخی جز عقل ناقص و محدود انسان را قبول ندارند و از سویی دیگر متدینان به شرایع پیش از اسلام به آموزه‌هایی علاقه نشان می‌دهند که تحریف و تشویش آنها برای معتقدانشان نیز محرز است.

بُعد و قُرب هنرمند به فطرت انسان، بیانگر بُعد و قُرب او به حقایق و بُعد و قُرب او در حرکتش به سمت کمال و سوگیری نسبت به هدایت و سعادت است.

حقیقت جهان و فطرت انسان حکم واحد دارند. حکایت جهان کبیر و جهان صغیر است. صغیری برآمده از درون کبیر نه چیزی جدای از آن.

بنابر این انحراف از هر کدام، لاجرم انحراف از دیگری را در بر دارد. در علم باشد یا عمل. پس هرگونه شناخت نادرست انسانیت انسانی، منجر به شناختی غلط از هستی می‌شود و هرگونه برداشت ناروا یا ناقص از هستی، فهم درست از انسان را با چالشی جدی مواجه می‌کند.

اثر هنری پیشانی معتقدات هنرمند و نمود عقاید او است. درست و غلط این عقاید، خواسته یا ناخواسته در شکل‌گیری صورت و محتوای اثر هنری، تأثیر می‌گذارد. هرچند برخی ممکن است از این واقعیت بی‌خبر باشند یا آنرا انکار کنند یا چندان اهمیتی برای آن قائل نباشند.

تاریخ بشریت با پیامبر و دین آغاز شده است. یعنی با کمال و کمال جویی. پیامبران خود بزرگترین هنرمندان تاریخ هستند. چه آنها هدف حقیقی هنر را که همان رهیافت انسان به قرب حق است، دنبال می‌کردند. معنی این سخن آن است که هر تبیینی از هنر که فارغ از آموزه‌های الهی و هدایت پیامبران باشد، راه به بی‌راهه می‌برد و از آنچه باید

به سوی آنچه نباید پیش می‌رود.

از این رو هنر مبتنی بر فلسفه اسلامی ممتاز از دیگر هنرها است. مبادی و مبانی هنر مقدّس اسلامی، مولود الهام درونی است که از عالم قدس اسلامی پرتو گرفته و در آثار هنری آشکار گردیده است.

دین راهی است بین حق و خلق؛ و هنر از یک سو نظر به حق دارد و از دیگر سو نظر به خلق. از یک سو به عالم غیب می‌نگرد و از سوی دیگر به عالم شهادت. از یک طرف با معنا کردار دارد و از طرف دیگر با صورت و ظاهر. هنر حقیقی و هنر دینی، هنری است که دو سو را می‌نگرد. هنری که تنها نظر به طبیعت و ظاهر و حسّ دارد، بدون تذکر به عالم غیب، هنر خدایی نیست. این جهانی است و لاجرم حجابی برای رشد و کمال انسانی می‌شود. هنر دینی، خواست حواسین تعهد است و به این دلیل هرگز از حکمت و تفکر و سیاست و اخلاق انتزاع و بی‌بایی ندرد.

کتاب پیش‌رو تلاشی است برای تبیین حکمت هنر بر اساس فلسفه اسلامی. به همین جهت نام آن را حکمت اسلامی هنر نهادیم تا معلوم شود قصد ما چیست. چرا که از منظر فلسفه‌های گوناگونی می‌توان به هنر و چرایی آن نگریست. ما در این نوشتار هنر و چرایی آن را از نظرگاه فلسفه اسلامی تبیین نموده‌ایم. به نظر شما این منظر می‌تواند به تبیینی مطابق با فطرت انسان و حقیقت جهان و رضایت خالق جهان منتهی شود. هرچند ممکن است نوشتار ما به دلیل بضاعت اندک یا غفلت از مطلبی مهم، ناقص از کار در آمده باشد؛ اما ادعایمان بر قوّت خود باقی است: «هیچ فلسفه‌ای جز فلسفه اسلامی نمی‌تواند فلسفه هنر را همسوتر با حقایق هستی تبیین کند».

فلسفه اسلامی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی است که از یک سو بر عصمت و قوّت خود تحدی دارد و از سوی دیگر مدّعی «تبیاناً لکلّ شیء» است. بنابراین باید و می‌تواند در

هرحوزه‌ای از دانش و معرفت بشری حرف آخر را بزند.

ویژگی‌های این کتاب:

۱. در این کتاب کوشیده‌ایم تا حد ممکن اصل ساده نویسی و ساده سازی مطالب را رعایت کنیم. در عین حال ماهیت مطالب فلسفی به گونه‌ای است که گاه چاره‌ای جز فهم مطالب دشوار نداریم.

۲. کتاب در حد ۲ واحد دانشگاهی و بیشتر برای استفاده دانشجویان تألیف شده و می‌تواند به عنوان متن آموزشی از سوی اساتید گرانقدر قرار گیرد. به همین دلیل در ابتدای هر فصل اهداف آموزشی و در پایان فصل سؤالاتی برای خود ارزیابی خواننده تهیه کرده است.

۳. در برخی موارد نکاتی را که لازم دیده‌ایم دانستن آن برای خواننده مفید است و در عین حال ضرورت قرار گرفتن در محتوای آموزشی را ندارند، تحت عنوان برای مطالعه در چارچوب قرار داده‌ایم.

۴. در این کتاب نوآوری‌های ساختاری و محتوایی وجود دارد که موجب گردیده اولین تألیف در نوع خود در بحث فلسفه دین برای آموزش باشد. از این رو انتظار می‌رود خوانندگان عزیز از بیان هرگونه نقد و نظر خود به منظور بهتر شدن کتاب در چاپ‌های بعدی دریغ نورزند.

احمد رضا بسیج

زمستان ۹۳